

اسرار تاریخی کمیته مجازات



(۵)



مقدمه و قتل میرزا محسن مجتهد :

پس از قتل میرزا اسمیل خان رئیس انبار غله و کشته شدن متین السلطنه ثقفی، روزی میرزا علی اکبر ارداقی در یکی از جلسات کمیته که در منزل منشی زاده تشکیل شده بود میگوید:

«... چون میرزا محسن مجتهد به تحریک و تقویت مقاماتی، شخصیت و نفوذ سیاسی و اجتماعی زیادی پیدا کرده و از این راه طرفداران پرو پا قرصی برای خود تدارک دیده و منزلش مرکز و کانون فعالیت‌های سیاسی گردیده و عملیات وی باعث تجری خائنین شده و برای آزادخواهان وجود او غیر قابل تحمل میباشد لذا يك عده که از جبهه جنگ مسراجعت کرده اند قصد دارند ویرا از میان بردارند و یکی از آنها که با من آشنائی دارد میل دارد بنمایندگی از طرف یاران خود در کمیته مجازات وارد شود..»

منشی زاده - آن شخص از کجا میدانسته که شما در کمیته مجازات عضویت دارید؟
ارداقی - یقین نداشته بلکه حدس زده است که من با کمیته ارتباط دارم و در هر حال عقیده دارم که پذیرفتن این شخص عضویت کمیته به نقشه‌های ماکمک خواهد کرد و بین ما و آندسته يك اتحاد و هم‌تاری بوجود خواهد آورد و عیبی نخواهد داشت وسیله یکی دو نفر از اعضای مورد اطمینان با هم مربوط شوند.

منشی زاده - اسم افراد و نقشه آنها چیست؟ و چه هدف و منظوری دارند؟ و در چه حدودی مایلند با ما همکاری نمایند؟

ارداقی - تاکنون نتوانسته‌ام اسامی آنها را بدانم ولی اولین هدفشان اینست که میرزا محسن مجتهد را از میان بردارند.

منشی زاده - ترور کردن میرزا محسن مجتهد خلاف مصلحت است و اگر مادراین کار مشارکت کنیم افکار عمومی را علیه خود بسیج کرده و نتیجه معکوس خواهیم گرفت.
ارداقی - اگر ما با ترور میرزا محسن مخالفت کنیم، آنها نقشه خود را عملی کرده و او را خواهند کشت. عمادالکتاب عضو دیگر کمیته مجازات در ضمن بازجویی و اعترافات خود چنین نقل میکنند:



«... در چهارراه حسن آباد به حسین خان‌لله برخورد کردم او بمن اظهار داشت که باید در فرصت دیگر همدیگر را ملاقات کنیم. شب دیگر برادرش محمدعلیخان آژان (گرگانی عضو سابق فرهنگ) را دنبال من فرستاد و هنگامیکه بر او وارد شدم او را مست و ددهوش یافتم و از مذاکره با او امتناع جستم ولی او اظهار داشت که از کلیه عملیات کمیته مجازات اطلاع دارد و خواهش کرد فردا با تفاق میرزا علی اکبر ارداقی برای صرف ناهار بخانه او برویم، روز دیگر هنگام صرف ناهار حسین خان‌الله معروف بسالار افخمی گفت:

میرزا محسن مجتهد (شهر)

«... من به تهران آمده‌ام و میخواهم خدمات ملی انجام دهم و فکر میکنم امروز خدمتی بالاتر از مجازات خائنین بوطن نمایا شد و حالا میل دارم این عملیات را طوری انجام دهم که با کار کمیته مجازات اصطکاک پیدا نکنند.

میرزا علی اکبر ارداقی گفت: آنچه را که اظهار کردی از حدود حرف و صحبت تجاوز نمیکند و چنانچه قصد خدمت بوطن را داری، لازم نیست نقشه کار خود را بمن و عمادالکتاب

بگویی، اگر نتیجه کارت منطبق با مرام و هدف کمیته مجازات بود و مصالح عموم را در بر داشت مطمئن باشید که کمیته عملیات شما را تأیید خواهد کرد...»

چند روزی از این مقدمه و مذاکرات گذشت تا اینکه خبر کشته شدن میرزا محسن مجتهد در شهر شایع شد. **عمادالکتاب در اعترافات خود اینطور اظهار میدارد:**

«... پس از قتل میرزا محسن مجتهد با اتفاق ارداقی بمنزل آمدیم و ساعتی بعد حسین خان الله و احسان اله خان و حاج علی سراسیمه و در نهایت هیجان وارد شده و گفتند کار میرزا محسن مجتهد را تمام کردیم، سپس جریان کشتن ویرا بدین شرح اظهار داشتند:

«... ما امروز بدرب خانه میرزا محسن رفتیم و تحقیق کردیم معلوم شد از منزل خارج شده است قبلا در محلی مقداری عرق نوشیدیم و سپس من (حسین خان الله) با اتفاق احسان اله خان در کمال جلدی و چالاکی حرکت کردیم و حاج علی عسکر هم دنبال ما آمد تا رسیدیم به جلو خوان مسجد شاه که میرزا محسن سوار بر الاغ در معیت جمعی از مریدانش در حرکت بود پس از عبور از مسجد شاه، از در مسجد شاه خارج شده در سه راه به آقای میرزا محسن برخورد کردیم. احسان اله خان یواشکی از من سؤال کرد بزمن؟ من باو جواب مثبت دادم و اسلحه برونیک را بیرون آوردم و شلیک نمودم تیر اول خارج نشد و من تا رفتم فشنگ را از برونیک خارج کنم احسان اله خان از پشت سر من میرزا محسن را هدف گلوله قرار داد و من هم بدنبال او تیری خالی کردم و برگشتم دیدم احسان اله خان در حرکت است. پس از اینکه اطمینان حاصل کردم کار میرزا محسن تمام شده است عبای احسان اله خان را که بایک شانه فشنگ روی زمین افتاده بود برداشته با احسان اله ملحق گردیدیم...»

عمادالکتاب در دنباله اعترافات خود چنین اظهار میدارد:

«... روز دیگر ابوالفتح زاده در اداره از فرط خوشحالی روی مرا بوسید و سپس جلسه در منزل منشی زاده تشکیل و در خصوص همکاری حسین خان الله و احسان اله خان و همکاریانش بحث و تبادل نظر شد و قرار شد فعلا این عده دو را دور مطیع و فرمانبردار کمیته باشند...»

پس از قتل میرزا محسن کمیساریای ۸ بازار گزاشی بشرح زیر به نظمیته تسلیم میدارد:

«میرزا محسن مجتهد را ساعت ده و بیست دقیقه روز ۱۷ جوزا هنگامیکه وارد منزل میشد کشته اند بمحض دریافت گزارش، میرزا باقر خان پدر کمیسر تأمینات در محل حادثه

حضور یافته اطلاعات زیر را بدست آورد:

«... میرزا محسن هنگامیکه سوار الاغ بود وحاج عبدالعلی نوکرش دنبالش بوده از منزل قوام السلطنه مراجعت میکرد درموقع ورود به منزل خود ودرحین ورود به چهار راه مسجدشاه دونفر ناشناس که از چند ساعت قبل درآن حدود قدم میزدند میرزا محسن را هدف تیر قرار دادند وچون تیر اول بخطا رفت، نفر دوم هفت گلوله بسمت اوشلیک و آقامیرزا محسن کشته شد وقاتلین شروع بفرار کردنداطلاعات بدست آمده حاکی از آن بود که بعضی ازعابریین واشخاص ناظر قاتلین را شناخته اند ولی علائم و آثاری از آنها بر جای نمانده ومأمورین را بکشف جرم نزدیک نساخت» حسین خان الله واحسان اله خان مدتی از ترس جان خود متواری و دراختفای بسر میبردند.

احسان اله خان غالباً در منزل معتمد الملك پیشکار نصرت الدوله بسر میبرد و یک بار هم از طرف تنظیمه گرفتار شد وپس از چند روز مستخلص گردید و بقرارد اطلاع شخصی بنام مهدیخان (همشیره زاده حسین خان الله که مدتی در اول خیابان سعدی بکار آرایشگری اشتغال داشت) مطالب را کم و بیش بیکی از مفتش های تنظیمه گفته بود وهمین باعث گرفتاری احسان اله خان شده بود. و حسین خان الله هم در یکی از دهات مجاور تهران مخفی بود. عمادالکتاب دراعترافات خود در تنظیمه اینطور بیان میکند:

«... در همین مواقع میرزا عبدالحسین خان پسر شفاة الملك که سرپرستی ترورست های میرزا محسن را بهمهده داشت برای ملاقات احسان اله خان بخانه معتمد الملك آمد و رفت داشت او اظهار میداشت که نصرت الدوله و سالار لشکر بخیال فتاده اند با دست معتمد الملك کمیته ای بنام کمیته ایران تشکیل دهند و احسان اله خان هم که در خانه معتمد الملك بجال اختفا زندگی میکند میل دارد در این کمیته داخل شود تا افکار و خیالات پوچ و فاسد آنها را خنثی نموده و ضمناً از آنها پول و اسلحه بگیرد و در جای دیگر بمصرف خدمات ملی برساند واز قرار اطلاع تاکنون دوقبضه موزر تحویل گرفته و میرزا عبدالحسین خان هم با افکار ونقشه های احسان اله خان موافق بود وبااو همکاری داشت. حاج علی عسکر هم بواسطه سابقه ای که باعباس میرزا سالار لشکر داشت باوی مراد و آمدورفت داشت ویکبار هم سالار لشکر هبلغی به میرزا عبدالحسین پسر شفاة الملك داده بود که بمصارف لازم برساند ولی سالار لشکر جرأت نمیکرد مطالب مکتومه خود را به حاج علی عسکر بگوید و حاج علی عسکر هم

هر چه تفحص میکرد چیزی دستگیرش نمیشد.

شبی در بالای پشت بام خوابیده بودم (عمادالکتاب)، احسان‌اله‌خان در حال مستی وارد شده گفت: مهدیخان همشیره‌زاده حسین‌خان‌الله ما را لو داده واسامی ما را بیکی از مفتشین نظمیه فاش کرده و برای ما زحمت ایجاد نموده و اگر مأمورین نظمیه از محل اختفای ما اطلاع حاصل کنند حتماً دستگیر خواهیم شد من (عمادالکتاب) گفتم چاره‌ای نیست جز اینکه چند روزی در محل اختفای خود باقی بمانید تا به بینیم چکار باید کرد.

بهادر السلطنه که چند جلسه با کمیته مجازات همکاری داشت ولی به پاره‌ای ملاحظات عذر او را خواستند نقل میکنند:

«... روزی در خیابان علاءالدله (فردوسی امروز) حوالی سفارت انگلیس به میرزا علی اکبر ارداقی و عمادالکتاب برخورد کردم بمن پیشنهاد کردند چون در خیابان نمیشود صحبت کرد خوبست به انجمن اخوت (روبروی بانک پس انداز ملی) برویم. پس از اینکه به محل انجمن رفتم گفتند قتل میرزا محسن مجتهد چطور بود؟ گفتم از هر کس میشنوم میگویند اثر خوبی داشته. ارداقی پرسید نمیدانید این اقدام از ناحیه چه کسانی بوده است؟ گفتم ابوالفتح‌زاده و منشی‌زاده مسئولیت این واقعه را بخود نسبت میدهند. عمادالکتاب گفت، بجان خودت اینها روحشان هم از جریان توطئه‌ایکه علیه جان میرزا محسن طرح ریزی شده بود اطلاع نداشت و تصور هم نمیکردند که این صورت عمل بخود بگیرد تا اینکه جریان امر را از زبان من شنیدند و عمل تروریست‌ها را تحسین و تمجید نمودند.

عمادالکتاب اضافه کرد که تروریست‌های ابوالفتح‌زاده آن جسارت لازم را ندارند که در بازار حلبی‌سازها شخصی چون میرزا محسن را ترور نمایند.»

بهادر السلطنه در اعترافات خود میگوید: «چند روز بعد ابوالفتح‌زاده را ملاقات و جریان مذاکراتی را که بین من از یکطرف و ارداقی و عمادالکتاب روی داده بود برایش نقل کردم و گفتم که معتقدند که روح شما هم از جریان قتل میرزا محسن مستحضر نبود تا اینکه خودشان جریان را برای شما تعریف کرده‌اند»

ابوالفتح‌زاده مطالب ارداقی و عمادالکتاب را تصدیق کرده و گفت: «قبل از اینکه

میرزا محسن کشته شود سه نفر تروریست‌ها را نزد ما آوردند و از تهور و بیباکی آنان سخن‌ها را ندند ولی ما باور نداشتیم که موفق بانجام چنین کار بیباکانه‌ای بشوند و بهمین جهت آنها را از سر خود بار کردیم و چون دیدند تروریست‌های کمیته مجازات متین‌السلطنه مدیر روزنامه عصر جدید را کشته‌اند آنها هم خواسته‌اند ضرب شستی نشان داده باشند...»

چند شب بعد جلسه کمیته مجازات منشی‌زاده تشکیل و میرزا علی‌اکبر ارداقی نتیجه مذاکرات خود را با تروریست‌های میرزا محسن مجتهد گزارش داده و اظهار میدارد که آنها پیشنهاد کمیته را پذیرفته و قبول کرده‌اند که هیئت تروریست‌ها ضمن ارتباط بانمایندگان (ارداقی - عمادالکتاب) کمیته کاملاً در تحت تبعیت آن بوده نامه مر بوط به قتل میرزا محسن از طرف کمیته مجازات منتشر گردد...»

میرزا علی‌اکبر ارداقی متن بیان نامه‌ای را که طبق قرار جلسه قبل تهیه کرده بوده قرائت و قرار بر این میشود که پس از چاپ بهمان منوال سابق برای رجال و سفارتخانه‌ها و روزنامه‌ها و تنظیم فرستاده شود.

ابوالفتح‌زاده در اعترافات خود چنین اضافه میکند:

«... اگر چه میرزا علی‌اکبر ارداقی بما گفته بود که هیئت تروریست‌های قتل میرزا محسن همیشه در اختیار کمیته مجازات خواهند بود ولی بمداً معلوم شد که این عده جداگانه مشغول فکر و مشورت بوده و ما از افکار و خیالات آنان مسبوق نبودیم ولی آنها (عماد و ارداقی) از کلیه مقاصد ما مطلع بودند...»

(ادامه دارد)

